

معلم در تراز نهج البلاغه: ویژگی‌های لازم معلم در تربیت معلم مطابق نهج البلاغه

نسرین توکلی^۱، سیدرضا بلاغت^۲

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های معلم در تراز نهج البلاغه می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون می‌باشد. سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر عبارتند از جایگاه و تعریف معلم از منظر نهج البلاغه و امام علی (ع) چیست؟ ویژگی‌های معلم از منظر نهج البلاغه و امام علی (ع) کدامند؟ یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد در پاسخ به سوال نخست، معلم آغازگر تربیت است، تربیت صحیح و یا غلط از او شروع می‌شود. همچنین، معلمی در قاموس سخنان علی (ع) می‌تواند در کلید واژه‌های حساسیت اخلاقی نسبت به دیگران و مسئولیت در قبال آن‌ها معنا و تعریف شود. در پاسخ به سوال دوم نیز می‌توان به ویژگی‌هایی از جمله ویژگی‌های عام حساسیت اخلاقی، مسئولیت‌شناسی، تقوا محوری و مقبولیت؛ و همچنین ویژگی‌های خاص نگرش، ذهنیت، واقع‌نگری، تجربه‌نگری، نقدپذیری، دانش‌افزایی و محبت محوری اشاره داشت.

کلیدواژه‌ها: معلم در تراز نهج البلاغه، الگوی تربیتی، ویژگی‌های معلم، امام علی (ع).

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

^۲. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران نویسنده مسئول، balaghat@edpsy.usb.ac.ir

مقدمه

در حقیقت سه رکن اساسی در تعلیم و تربیت در تعامل طبیعی با هم فرایند تربیت به معنای عام را تشکیل می دهند عبارتند از: معلم، شاگرد و محتوی تربیتی. این سه رکن در جهت رسیدن به اهداف تربیتی اصالت دارند و صحت هر یک و چگونگی تعامل آنها در یک مجموعه، ارزشمند است؛ اما آنچه توجه بدان ضروری است، اینکه از میان این سه رکن، معلم است که آغازگر جریان تربیت بوده و از این رو نیک بختی و نگون بختی تربیت به دست اوست؛ البته این سخن به معنای معلم محوری نیست، بلکه به جهت اینکه معلم آغازگر تربیت است، تربیت صحیح و یا غلط از او شروع می شود. این معلم است که می تواند مانع بسیاری از آسیب های تربیتی شود و اوست که می تواند راه را برای حرکت در مسیر صحیح، تسهیل نماید (اصفهانى و شاهی، ۱۴۰۰).

روش پژوهش

این مطالعه متمرکز بر نهج البلاغه بوده و داده های به صورت روشمند تحلیل شد. یکی از روش های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می کند. بنابراین با توجه مضمون تحقیق حاضر از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است (راسمن و مارشال، ۱۳۹۵).

سوالات پژوهش:

جایگاه و تعریف معلم از منظر نهج البلاغه و امام علی (ع) چیست؟

ویژگی های معلم از منظر نهج البلاغه و امام علی (ع) کدامند؟

یافته ها

انسان در معنای عام

بی شک انسان از جالب ترین و در عین حال جنجالی ترین مقوله ای است که موضوع بحث صاحب نظران حوزه های مختلف علوم انسانی از جمله ادیان، فلسفه، اخلاقیات تربیت، روانشناسی و جامعه شناسی واقع شده است. از آن جا که در همه حوزه های اصلی معرفت بشری، بررسی ابعاد وجودی انسان و ویژگی های او از مباحث اصلی و بنیادی، محسوب می شود، لذا می توان گفت «انسان شناسی» خط مشترکی است که حوزه های فوق را به هم مربوط می سازد (برزویی، سلیمی و رسولی، ۱۴۰۰).

شخصیت انسان وابسته به نوع نگاه اوست. در واقع آنچه در رفتار، گفتار، و افکار فرد تجلی پیدا می کند نشان دهنده شخصیت اوست. حضرت در این زمینه می گوید: انسان هم وزن نگاه و نوع توجه خویش است (حکمت ۸۱)^۱ بهتر این باشد که بگوییم انسان به هر آنچه می اندیشد و به آنچه دغدغه دارد و یا در تکاپوی رسیدن به آن است سنجیده می شود. همچنین از منظر حضرت؛ سخن انسان واگویی به شخصیت اوست (حکمت ۱۴۸)^۲.

ویژگی های عام

۱. حساسیت اخلاقی

انسان شاخص باید فراتر از دانش زیاد و اندیشه خوب؛ از سجایای اخلاقی و بهره های معنوی برخوردار باشد. حضرت تجلی دانش و ارزش های فردی را در خدمت به دیگران و دست گیری و حمایت از ایشان دانسته و نمود این ویژگی را غمگساری و گره گشایی می داند و این حالت را تجلی لطف الهی برای انسان به شمار می آورد. خدمت به دیگران و بودن در مدار نیاز هم نوعان؛ غم زدایی، همدردی و همدلی و ایجاد نشاط و شادابی در جامعه پیرامون است (حکمت ۲۵۷)^۳.

^۱ - وَقَالَ (عليه السلام): قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.

^۲ - وَقَالَ (عليه السلام): الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

^۳ - وَقَالَ (عليه السلام) لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ: يَا كُمَيْلُ مَرُّ أَهْلِكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ، وَيُدْلِجُوا فِي حَاجَةِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ؛ فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ، مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا، فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْجِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ، كَمَا تَطْرُدُ غَرَبِيَّةُ الْإِبِلِ.

در همین زمینه نیز نظریه‌ای در حوزه تعلیم و تربیت با عنوان نظریه اخلاق مراقبتی^۱ مطرح است. اخلاق مراقبت نظریه‌ای در اخلاق هنجاری است که مطابق آن، محور کنش اخلاقی، روابط بین‌فردی و مراقبت یا خیرخواهی به عنوان یک فضیلت است. در مقابل نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایانه و وظیفه‌گرایانه بر استانداردهای قابل تعمیم و بی‌طرفی تأکید می‌کنند، اخلاق مراقبت بر اهمیت واکنش به افراد تأکید می‌کند (غفاری، ۱۳۸۴).

۲. مسئولیت‌شناسی

اما آنچه می‌تواند در مقام تبیین اهمیت و حساسیت فعالیت‌های اجتماعی و به‌ویژه در حوزه دانش و تربیت مورد توجه باشد؛ مسئولیت‌شناسی و اهتمام به مأموریت بی‌رقیب در فعالیت عمومی و به‌ویژه تربیتی اجتماعی است.

حضرت اسلام را تسلیم در برابر خدا، یقین و اعتماد راستین به آن دانسته و پرونداد آن را را انجام مسئولیت‌ها که نمودی از دین‌مداری و تعهد است می‌داند (حکمت ۱۲۵).

شاخص‌هایی که در گزاره‌های گوناگون نهج‌البلاغه در تبیین ملاک‌ها آمده است بیشتر ناظر به عناصر مؤثر و کارگزار اجتماعی است که در کسوت‌های مدیریت، تربیتی و آموزشی ایفای نقش می‌نمایند. در این میان شاید اساتید و به‌ویژه معلمان به دلیل ارتباط پیوسته با اقشار جوان و نوجوان بیش از هر کس مخاطب این فرازهای مرتبط با رفتارهای فردی و اجتماعی باشند. جامعه و کارگزاران آن هرچند در این زمینه تکلیفی بایسته دارند تا این نگاه را به معلم و رسالت تعلیم و تربیت اصلاح بکنند؛ اما این معلم است که باید با قدرشناسی و اهمیت دادن به جایگاه شغلی؛ خویش را در مکان شغل پیامبری (حکمت ۹۶)^۲ و هدایت‌گری بداند و این نگاه بر شخصیت خویش و قدرشناسی از فرصت‌های تربیتی ارزشمندی را ارتقا و زمینه‌های خدمت را فراخ سازد.

معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگی‌ها را در تراز وجود او می‌سنجند حرمت‌گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند. معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک‌ترین‌ها به پیامبران هستند. به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قربت با پیامبران دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند.

۳. تقوای محوری

پروا پیشگی التزام به تقوای الهی یکی از محوری‌ترین اصول در موفقیت‌های معلمی است. به دیگر سخن هر چند تقوی عیار همه کارها را بالا می‌برد و ارجمندی و پایداری را تقویت می‌کند اما این مهم در مأموریتی بزرگ و سترگ چون معلمی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. به تعبیر امام علی (ع) هیچ کاری با تقوای اندک نیست و چگونه می‌شود کاری اندک شود که در پیشگاه خداوند ستوده و پذیرفته است. (حکمت ۹۵)^۴.

مربی باید اهل معنی، سلوک و راه رفته باشد تا بتواند تربیت کند و آموزه‌اش ماندگار گردد. پس باید مربی از خویش‌ن آغاز بکند تا دیگران و این آغاز از خویش‌ن باید با خودسازی در رفتار و سلوک باشد تا زبان و بیان و آن کس که به خود پرداخته و خویش‌ن را می‌سازد سزاوارتر بر تکریم است تا آنکه به دیگران می‌آموزد (حکمت ۷۳)^۵.

به طور خلاصه می‌توان گفت معلم برای موفقیت در مأموریت تربیتی و آموزشی خود نیازمند برخورداری از دو بازوی مقبولیت و محبوبیت است این دو هرچند برای عناصر فعال و اجتماعی راهگشا است اما برای کارمعلمی یک ضرورت است.

۴. مقبولیت

معلم وقتی موفق است که مورد پذیرش واقع شود و این شرط نخست در موفقیت و کامیابی آموزش و تربیت دانشجو و دانش‌آموز است. باید معلم در نظر دانش‌آموزان خود، بزرگ بنماید و مقام و جایگاه تجربیات علمی ایشان مسلم شود.

معلمی که تجربه آموزش و دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های معلمی را نداشته باشد نمی‌تواند برای دانش‌آموزان خود چشمگیر و قابل تحسین شود. اصولاً جنس آموزش و پرورش و معلم و دانش‌آموز با پذیرش و توافق نانوشته و قلبی همراه است.

^۱ - Care ethics

^۲ - وَقَالَ (عليه السلام): لَأَنْسَبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسَبْهَا أَحَدٌ قَبْلِي؛ الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ.

^۳ - قَالَ (عليه السلام): إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ.

^۴ - وَقَالَ (عليه السلام): لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يَتَقَبَّلُ.

^۵ - وَقَالَ (عليه السلام): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ

ویژگی های خاص

۱- نگرش

معلم در گروه ارزش گذاری های خویش است و دانش آموزان قیمت و وزن معلم را در چیزی می دانند که در علاقه، زبان و اراده معلم نمود دارد. گرایش و ابراز علاقه که شیب شخصیتی یک معلم را نشان می دهد لزوماً به گفتن و نوشتن محدود نمی شود بلکه در تعامل کوتاه معلم و دانش آموز و در فعالیت های رسمی و غیررسمی ایشان نیز قابل رصد است. به تعبیر بلند حضرت علی علیه السلام سخن وزن شخصیتی انسان در گروه آن چیزی است که بدان اندیشه می کند و فضای فکری ایشان را در خود می گیرد (حکمت ۱۴۸)^۱.

معلمی که در کلاس از دانش، علم و پژوهش و یا ارزش های انسانی و کمالات فردی و تعاملات اجتماعی سخن می گوید با کسی که از ثروت، مادیات، برخوردارها و قدرت و زیرکی و زرنگی اجتماعی سخن می گوید، تفاوت دارد. معلم با کلام و رفتار و سوگیری های خود نشان می دهد که سرانجام انسان خدایی شدن و رسیدن به ارزش های والای انسانی است.

۲- ذهنیت

وزن معلم در کلاس و مدرسه به بیان و توان علمی ایشان است و مهم تر از همه شخصیت معنوی، اجتماعی و اخلاقی ایشان در گروه زبان و محتوای بیانی او است.

برای همین بر معلم است که هم خوب سخن بگوید و هم سخن خوب بگوید. خوب سخن گفتن در گروه مهارت های زبانی و بیانی و دانش و فنون کلاس داری و اسلوب های مدیریت کلاس است و سخن خوب گفتن مربوط به مطالعه، دانش، پژوهش و مهم تر از همه اندیشه پیوسته ایشان. معلمی که از دانش عمومی و تخصصی بهره مند باشد و در حوزه آموزش از اندیشه و تازه های علمی برخوردار شود، بهتر می تواند در قامت یک معلمی فرزانه و برخوردار از دانش و اندیشه نقش آفرینی کند. شاید فرصت های مطالعاتی ضمن تدریس را که در زمینه های آموزش اساتید و معلمان تدبیر شده ناظر به همین نیاز علمی و آموزشی و مطالعاتی باشد (حکمت ۹۲).

۳- واقع نگری

معلمی که علمی دارد و اهل جهد و جدیت در دانش است و در اندیشه دانش و دانستن است و این ویژگی پیوسته او را در تکاپوی مطالعه و دانش قرار داده و نا آرام دانستن می سازد. این احساس که ریشه در درون نا آرام دارد همیشه حس کم دانی و نیازمندی را فروتنانه در ایشان شعله ور می سازد. و به تجربه ثابت شده است معلم و استادی که در گاه تردید و نیاز به مطالعه و تأمل فروتنانه به ندانستن اعتراف نماید خود درسی بزرگ و ماندگار برای دانش آموزان و دانشجویان خواهد بود.

حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید: من ترك قول لا أدري أصيبت مقاتله (حکمت ۸۵).

اری معلم و استادی که بگاہ تردید از گفتن نمی دانم روی گرداند نابود می شود.

و به تجربه ثابت شده است که این قبیل اساتید نه تنها به بزرگی و دانایی معروف نشدند که از فرزاندگی و مقبولیت افتادند.

۴- تجربه نگری

استفاده از ظرفیت اهل کسوت و تجربه و انتقال دانش و مهارت پیشکسوتان؛ معلمان جوان و تازه وارد به عرصه تعلیم و تربیت را از آزمون و خطا بی نیاز می سازد. مهارت های آموزش، طرح درس، شیوه های ارائه و انتقال و تعامل با قشر کودک و نوجوان و پایش و ارزیابی تأثیر برنامه ها و فعالیت ها در رفتار فردی و عمومی دانش آموزان و... چیزی نیست که یک ساله و بدون آزمون های عدیده به دست آید. انتقال طبیعی و دوستانه تجربیات معلمی نیازمند فراهم ساختن مناسبات خوب بین پیشکسوتان و معلمان جدید است. معلم جوان باید بخشی از برنامه های خود را استفاده از تجربیات گذشتگان بداند. کسی که سابقه ۲۰ یا ۳۰ ساله دارد و یا به افتخار بازنشستگی نائل آمده است باید طرف مراجعه معلمان کم سابقه و جوان خویش باشد. پیداست استفاده از این تجربیات که با کلی زحمت و هزینه به دست آمده است، حرکت معلمان را شتاب و مسیر رسیدن به اهداف و برنامه ها را آسان خواهد کرد و این یک واقعیت است که استفاده از مشورت و تجربیات اهل دانش و تجربه دانش عمل و خرد برنامه ریزی را تقویت می کند.

حضرت امیر (ع) در فرازی از سخنان ارزشمند خود به این نکته ظریف و کارآمد توصیه می کنند و می فرمایند: نزد من اندیشه پیر از تلاش جوان خوشایندتر

است (حکمت ۸۶)^۲.

۱- وَقَالَ (عليه السلام): الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

۲- وَقَالَ (عليه السلام): رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ.

۵- نقدپذیری

در همه مشاغل به‌ویژه در حوزه تعلیم و تعلم نقد و نقدپذیری از ویژگی‌های پسندیده است. معلم و استادی که نقدپذیر نباشد مقبولیت قابل توجهی ندارد. دور نیست اگر گفته شود یکی از ویژگی‌های معلم موفق استقبال از نقد است. کلاس‌هایی که در آن پرسشگری نباشد و یا معلم و استاد؛ دانشجو و دانش آموز نقاد نداشته باشند کلاس مرده است و هم استاد از به‌روزرسانی خود باز می‌ماند. معلم برای روزآمد شدن و توسعه دانش و آگاهی‌های علمی نیازمند دانشجو و دانش آموزان پر مسأله است و شاید یکی از آفت‌های دامن‌گیر کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، فقر، مسأله و نبود سؤال باشد. تو گویی دانش آموز و دانشجو چشمش را از عقربه‌های ساعت نمی‌گیرد و هر لحظه ساعت و موبایلش را می‌نگرد و کندی حرکت زمان را به زحمت تحمل می‌کند.

معلم برای چابک شدن و ارتقای توان و اندیشه و مهم‌تر از همه تغییر رویکردهای آموزشی و شیوه و قالب‌های یاددهی و یادگیری نیازمند نقدهای سازنده است و شاید بهتر باشد که معلم و مدیر زمینه‌های این نقد را از طرف دانش آموزان، معلمان، اولیاء و جامعه هدف مرتبط فراهم نمایند. مدرسه، مدیر و معلم برخوردار از ظرفیت‌های نقد بیش از دیگران از ثمرات و نتایج آن برخوردار می‌شوند. و نقد هر چند ظاهرش تلخ و تحملش سخت می‌نماید اما باطنش بشارت‌بخش و سازنده است. به تعبیر حضرت علی (ع) نتیجه هشدار، بشارت و مژده است و آن کس که تو را هشدار و نقد داد همانند کسی است که تو را مژده داد (حکمت ۵۹)^۱.

در این زمینه باید این نکته را مورد توجه قرار داد که مصادیقی چون خودانتقادی، نداشتن پیش‌داوری ذهنی، دوراندیشی و تجربه‌اندوزی، به عنوان مهم‌ترین اوصاف برای تفکر انتقادی شناسایی شدند که نیازمند مهارت‌هایی چون: حقیقت‌یابی، راه حل‌یابی و توانایی هجرت از گذشته بود. همچنین، مهارت‌های سه‌گانه در تفکر انتقادی، نقش بسزایی در خودآگاهی فطری دارند و جزء جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شوند؛ چراکه مفهوم خودآگاهی فطری، از مفهوم توانایی درک مطابق با واقع که در تفکر انتقادی مطرح شد، جدا نبود؛ بلکه اعم از آن بود؛ به دلیل اینکه مبنا قرار گرفتن آگاهی‌های باطنی در تفکر انتقادی به شیوه امام علی (ع) عاملی اساسی برای شکوفایی خودآگاهی فطری محسوب می‌شود و در نهایت، دسترسی انسان را به حقیقت محض در توجه به ماورای واقعیات ممکن ساخته است (بهرامی، نجفی و صادقی، ۱۴۰۰).

۶- دانش‌افزایی

امروز یکی از آسیب‌های جدی در جامعه به‌ویژه میان نخبگان و معلمان؛ ضعف مطالعه و دانش‌افزایی است. سرانه مطالعه در میان توده‌های مردم و حتی اهل دانشگاه و مدرسه و سوگمندان اساتید و معلمان رو به کاهش نهاده است؛ سرانه‌های اعلانی از سوی مدیران ارشد فرهنگی که پرده از یک واقعیت دردناک برمی‌دارد جدی و تأمل برانگیز است.

سرانه هفته‌ای بیست دقیقه و حتی کمتر در میان دانش‌آموزان چیزی نیست که بشود از کنار آن به‌سادگی گذشت. این در حالی است که به اذعان صاحب‌نظران، مطالعه بهترین سنجه در شاخص‌های رشدیافتگی و توسعه فرهنگ در جامعه است. وقتی مطالعه و کتاب در جامعه رو به کاهش و غربت بگذارد. فرهنگ و هویت‌های آن دچار آسیب می‌شود. معلمان بی‌رقب‌ترین قشر در فرهنگ‌سازی و توسعه دانش عمومی جامعه هستند و تربیت قشر آشنا با کتاب و مطالعه و علاقه به دانش با دستان با کفایت معلمان صورت می‌پذیرد. معلم برای رسیدن به مقام راهبری و ارتقای نقش مداخله‌گری در زمینه کتاب و مطالعه نیازمند بهسازی خود با دانش و مطالعه است. به دیگر سخن باید معلم مطالعه را عملاً در خویش و سپس در جامعه، فرهنگ کند. شاید بهترین و مهم‌ترین کار برای معلم؛ دانش‌اندوزی و ارتقای توان و مهارت باشد معلم در این دنیایی که دسترسی‌ها به مطالعه و دانش افزون شده و به شکل‌های مختلف زمینه‌های آگاهی پر دامنه شده است باید بیش از دیگران به ارتقای مهارت علمی و شغلی پرداخته و بالاتر از همه از دانش و آگاهی‌های لازم برخوردار شود. در سخنی بلند حضرت علی (ع) (حکمت ۹۴)^۲ دانش‌اندوزی و ارتقای توانمندی‌های علمی را بزرگ‌ترین خیر دانسته و جایگاه آن را بالاتر از هر ثروت و حتی فرزند می‌داند شاید وجه این برتری به فرزند نقش هدایت‌گری دانش در تربیت و شکل‌گیری خانواده است.

۷- محبت محوری

^۱ - وَقَالَ (عليه السلام): مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَرَكَ.

^۲ - وَ سئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَ لَكُنَّ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ...

محبوبیت از اصلی‌ترین لوازم کار معلمی است اگر معلم را دوست نداشته باشند کار معلم خوب به سامان نمی‌شود. باید معلم موقعیت کار خویش را درک کند و فراتر از یک شغل و ابزار معیشت به عنوان یک هنر به آن بنگرد و گفتار و رفتارش را همانند یک تابلوی نقاشی یا اثر ادبی، ماندگار و اثرمند سازد. معلم باید برخلاف دیگران مراقبت خاص از خویش بنماید و در امور ارزشی و اخلاقی و ملاحظات رفتاری و انسانی گام‌ها از دیگران پیش باشد.

محبوبیت که یک خواست فطری و مطالبه زیباشناختی بشری است وقتی به کار معلمی بیاید کار معلمی را هنرمندانه می‌کند. معلمان محبوب برای دانش‌آموزان خود فراتر از یک آموزگار، یک طیب و مشاور و همانند پدر و مادر مهربانند و دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس چنین معلمانی سر از پا نمی‌شناسند.

باید معلم برای دستیابی به چنین شاخصه‌ای بکوشد و کلاس و درس را از یک برنامه رسمی، خشک و طاقت‌فرسا به یک فضای صمیمانه، عاطفی و سرشار از روابط متقابل تبدیل نماید.

یکی از رویکردهایی که به نوع با ویژگی محبت محوری تربیت توسط معلم در ارتباط است، رویکرد تربیتی مونتسوری است. این رویکرد که یکی از نظام‌های جامع در تربیت کودک را به نمایش می‌گذارد (موریسون، ۲۰۰۴، به نقل از سجادیه، ۱۳۹۸). در واقع مونتسوری در این رویکرد با تأکید بر قوت امیال در کودکی، شدت دل‌بستگی‌ها و دل‌زدگی‌های کودک را نیز خاطر نشان می‌کند. مونتسوری با فهم این شدت و به رسمیت شناختن آن، محبت را مولفه‌ای اساسی در جریان تربیت به خصوص در دوران کودکی می‌داند (مونتسوری، ۱۹۴۹، به نقل از همان).

نتیجه‌گیری

همانطور که قبلاً نیز این نکته را مورد اشاره قرار دادیم، سه رکن اساسی در تعلیم و تربیت در تعامل طبیعی با هم فرایند تربیت به معنای عام را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: معلم، شاگرد و محتوی تربیتی. پس از آن می‌توانیم بگوییم نقطه ثقل تمام نظریات حوزه علوم انسانی انسان‌شناسی است و در واقع «انسان‌شناسی» خط مشترکی است که حوزه‌های فوق را به هم مربوط می‌سازد. در میان ویژگی‌هایی که می‌توان در مورد انسان در میان اندیشه‌های امام علی (ع) مورد توجه قرار داد، حساسیت اخلاقی و مسئولیت‌شناسی ویژگی‌های انسانی است که می‌تواند شاخصه اصلی معلمی در اندیشه‌های امام علی (ع) باشد.

در ادامه گفته شد که می‌توان به طور کلی به دو دسته ویژگی در میان اندیشه‌های امام علی (ع) برای معلم اشاره شده است. این دو ویژگی، ویژگی‌های عام و ویژگی‌های خاص هستند. از میان ویژگی‌های عام مهم‌ترین آن‌ها تقوامحوری، مقبولیت؛ و از میان ویژگی‌های خاص، نگرش، ذهنیت، واقع‌نگری، تجربه‌نگری، نقدپذیری، دانش‌افزایی، و محبت‌محوری از مهم‌ترین ویژگی‌ها هستند.

منابع

نهج البلاغه، ترجمه و تصحیح پرتال ahlolbait.com

- اصفهان‌پور، م.؛ شاه‌ی، ب. (۱۴۰۰). خوانشی بر اخلاق حرفه‌ای معلم در تراز نهج البلاغه. فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی، ۳(۴)، ۵۸-۷۱.
- برزویی، م.؛ سلیمی، ل.؛ رسولی، س.ع. (۱۴۰۰). ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی. فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵، ۱۴۳-۱۳۵.
- بهرامی، ح.؛ نجفی، م.؛ صادقی، ح. (۱۴۰۰). تحلیلی بر تفکر انتقادی در شکوفایی خودآگاهی فطری با تمرکز در آموزه‌های کلام امام علی (ع). نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۸۷، ۵۵۶-۵۴۱.
- راسمن، گ.؛ مارشال، ک. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی. پارسایان، ع. مترجم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سجادی‌ن، ن. (۱۳۹۸). نگاهی به رویکرد تربیتی مونته‌سوری از منظر عاملیت انسان. دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه تربیت، ۴(۲)، ۱۱۹-۱۴۳.
- غفاری، ابوالفضل. (۱۳۸۴). اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر رویکرد دل‌مشغولی - مجله علمی - پژوهشی مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۶(۲)، صص ۵-